طرح کنترافرنسیا و نقش آن در پیشبرد قرآن پژوهی غرب

عباس احمدوند[1]

محمد رحیم بیرقی[2]

چکیده

پیش‌روي سپاهیان عثماني در اروپای شرقی و مرکزی ، بزرگان کلیسا را به ارایه راهکارها و طرح هایی در مقابله با خطر روزافزون عثمانی واداشت. یکي از مشهورترین این راهکارها، طرح کنترافرنسیا/ کنفرانس صلح میان پیروان ادیان یا به عبارت صحیح تر ،صلح میان مسلمانان و مسیحیان بود که از سوی خووان سگوویایي [3] ، کاردینال مشهور اسپانیایي، پیشنهاد گردید. این طرح اگر چه بنابر واقعیت‌هاي سیاسي آن زمان صورت‌بندي نشده بود؛ اما، با این حال، تغییرات محسوسي را در عرصه های گوناگون قرآن پژوهی غربیان، در میانه سده پانزدهم میلادي ایجاد کرد. مقاله حاضر با استفاده از شیوه زمینه شناسی تاریخی به بررسي انگیزه ها و علل صورت‌بندي طرح کنترافرنسیا، مسایل مربوط به آن و همچنین تأثیر آن در مطالعات قرآني غربیان مي‌پردازد. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که فضای خصمانه حاکم بر اروپای آن روز نه تنها طرح کنترافرنسیا را ناکام گذارد بلکه مطالعات قرآنی این عصر را نیز دستخوش مجادلات کلامی [4] نمود.

کلیدواژه‌ها: کنترافرنسیا؛ خووان سگوویایي؛ نیکولاس کوسایي؛ روش‌هاي قرآن‌پژوهي غربیان.

1. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی a_ahmadvand@sbu.ac.ir

2. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک m_r_beyraghi@yahoo.com

3. Juan de Segovia

4. Polemic.

مقدمه

کنفرانس، به‌ویژه اگر به منظور گرد هم آوردن صاحبان عقیده و آراء گوناگون و تلاش براي رفع اختلافات عقیدتي، منعقد گردد، براي انسان معاصر بسیار قابل توجه و جذاب است. در عین حال امکان دارد این گونه به نظر برسد که در دوران هاي گذشته، به‌ویژه سده‌های میانه، برگزاري چنین کنفرانس هایي امري ناممکن و غیر محتمل بوده است. با این همه در هنگامه اوج روابط خصمانه مسلمانان و مسیحیان که فضایي براي بروز چنین اقداماتي ایجاد نمي کرد(سعید، ۶۰-۶۱ ؛ دنیل ، ۲۹۱)، به‌ویژه در سده ۱۵م، از اقدامي تأثیرگذار موسوم به کنترافرنسیا (کنفرانس صلح میان مسلمانان و مسیحیان) (واژه‌ای با ریشه لاتینی مرکب از پیشوند contra به معنای "پیوسته"،و فعل ferre به معنای"ایجادکردن".)آگاه مي شویم (نک: مینوی ، (آن را حمله مسالمت آمیز معنا می کند) ؛ سعید، ۶۰ ؛ بلنکس، ۳۱؛ ولف ، ۲۲۲). که هم تلاش براي تحقق آن، در ایام اوج حملات عثماني ها به اروپا و سرانجام فتح قسطنطنیه (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م.) بسیار قابل توجه است و هم اقداماتي که غربیان در پي کنترافرنسیا، در زمینه شناخت قرآن کریم صورت دادند؛ اقداماتي چون نقد ترجمه هاي قرآني عصر جنگهاي صلیبي، ارایه ترجمه هاي جدید، تلاش براي فراهم آوردن امکان گفتگوي مسلمانان و مسیحیان و مطالعات قرآني با عنایت خاص به مطالب قرآن کریم در باب مسیح و مسیحیت. بدیهي است که در این اقدامات شاهد همدلي و درك بیشتري نسبت به اقدامات قرون گذشته غربیان هستیم (نک: ولف، جلد ۳)

(see: wolf, iii) در این پژوهش به زمینه ها و مراحل پیدایي کنترافرنسیا، افراد موثر در طرح، اقدامات ایشان، مطالعات قرآني غربیان در اثر کنترافرنسیا و علل عدم توفیق همگاني این طرح در اروپا خواهیم پرداخت.

۱- عثمانی ها در خاک اروپا

عثماني ها یکي از معدود دولتهای مسلماني بودند که موفق به فتوحات خارق العاده و دامنگیري در اروپاي شرقي و مرکزي شدند. آنان از نیمه سده پانزدهم میلادي به بعد، پیوسته در اروپا پیشروي مي کردند، سلطان مراد دوم در اواخر حکومت خویش در بالکان توفیقاتي یافت. (مینوی، ۷۸ و نیز : ترنبل ، ۳۵- ۳۶) پس از او، سلطان محمد فاتح (۸۵۵ – ۸۸۶ ق. / ۱۴۵۱-

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

۱۴۸۱م) اقدامات نظامي سلف خويش را پي گرفت و سرانجام موفق شد در(۸۵۷ ق./ ۱۴۵۳م) قسطنطنيه، پايتخت روم شرقي را بگشايد. (ترنبل،۳۸- ۷۰ تصاوير صفحات ۳۸- ۳۹ ؛ ولف ، همانجا ؛ گافمن ، همانجا) دامنه فتوحات عثمانی‌ها گسترش يافت به گونه ای که حتي در زمان سلطان سليمان قانوني، وين دو مرتبه محاصره گرديد و اتريش درآستانه سقوط کامل قرارگرفت (مينوی، ۸۹؛ برای بحث اتحاد فرانسه و عثمانی بر ضد دولت آلمان نک: ولف، همانجا؛ برای نمونه: گافمن، ۱۱۰) از اين رو، اروپاييان، به ويژه رهبران مذهبي ايشان، از پيشروي هاي ترکان مسلمان، سخت به وحشت افتاده، در جستجوي راهي براي جلوگيري از تداوم و گسترش آن برآمدند.

۲- واکنش های اروپاییان نسبت به پیشروی عثمانی ها

به رغم آن که قرآن کريم مسيحيان را «نزديکترين ايشان ازنظردوستی به کسانی که ايمان آورده اند» («**اقربهم مودة للذين آمنوا**»،(المائده، ۸۲)؛ مراد اين آيه در قياس با يهود و مشرکان است.) خوانده است، آنان در آستانه ظهور اسلام، به شکلي منظم با دين اسلام و مسلمانان به ستيزه برخاستند.(اسعدی، « يوحنای دمشقی و آغاز مجادلات ميان اسلام و مسيحيت» ، ص: ۶۳- ۶۵). علاوه بر اين، فتوحات اسلامي و حملات عثماني ها به اروپا نيز ايشان را بيمناك ساخت. (واردنبرگ، ۷۳۵ ؛ دنيل ، ۳۰۷). از اين رو، مارتين لوتر، رهبر پروتستانتيزم و نهضت اصلاح ديني اروپا، زمينه چاپ ترجمه مغلوط رابرت کتّوني را از قرآن کريم(نك. ادامه نوشتار)، در شهر بال فراهم آورد.(اسعدی ، ۹۸) و شروع به مطالعه ردیه معروف مونته کروچه[1] بر قرآن کريم نمود و حتي آن را به لاتين ترجمه کرد.(اسعدی، ۹۷) با اين که در دوران لوتر دانشگاه ها در حال شکوفايي بود و رشد دامنگير پروتستانتيزم، اومانيسم و مطالعات فرهنگي، رنسانس، اختراع چاپ و رونق اقتصادي، بر انتظار برخورد عاقلانه با اسلام و تخفيف و تعديل نگرش خصمانه غربيان مي‌افزود. (اسعدی، ۹۳- ۹۶). لوتر ذيلي را نيز به منظور تکميل ردیه مونته کروچه، بر آن نگاشت و آشکارا اعلام کرد «امکان ندارد مسأله اختلاف مسلمان و عيسوي را از راه سياست و فرهنگ حل کرد».(سعيد،۶۱ ؛ اسعدی ، ۹۷).

1. Riccoldo da Monte di Croce

بدين ترتيب و برخلاف انتظار، براي متفکرين جدي اروپا مسلم شد که «بايد درباره اسلام کاري کرد» (سعيد، همانجا) بدين منظور دو راهکار اساسي در مقابله با عثماني ها اتخاذ گرديد؛ يکي احياي جنگ هاي صليبي که با توجه به فضاي غالب اروپا و بيم فراوان اروپاييان از عثماني، بسيار غلبه داشت. (مينوی ، ۸۵ ؛ سعيد، همان ؛ کروز، ۷۰ ؛ ولف ، همان). افرادي چون دنيس فان ليوون[1]، ژان تورکه مادايي[2]، آلفونسو[3] و ژان ژرمن[4] اسقف شالن بر آن بودند که در مقابله با عثماني گام بردارند و زمينه نبردي تازه را فراهم آورد (دنيل ، همان) راهکار دوم آن بود که از طريق وعظ، تبليغ و نفوذ تدريجي (مينوی، ۷۸ ؛ کروز، همان). به برگزاري کنفرانس صلح و گفتگوي (کنترافرنسيا) ميان شخصيت هاي بزرگ مسلمان و مسيحي پرداخته، اين کنفرانس صلح را به مثابه ابزاري با کارکرد سياسي - مذهبي جهت مسيحي سازي مسلمانان مورد استفاده قرار دهند (سعيد، همان ؛ واردنبرگ، ۷۳۵ ؛ کروز ، همان ؛ نک: بلنکس، ۳۱ ؛ ولف، همان)

۳- خووان سگوویایی و صورت بندی طرح کنترافرنسیا

در ميان افرادي که کم و بيش در اروپاي سده پانزدهم صاحب نفوذ و رأي بودند و از سوي ديگر اسلام مسأله جدي آنان بود، به چند عالم مسيحي شهير و تأثيرگذار از جمله خووان سگوويايي (حدود ۸۰۲ — ۸۶۲ق / ۱۴۰۰- ۱۴۵۸م)، نيکولاس کوسايي[5](۸۰۲ — ۸۶۸ ق/ ۱۴۰۰- ۱۴۶۴م)، ژان ژرمن و پاپ پيوس دوم[6] (۸۰۷ — ۸۶۸ق/ ۱۴۰۵- ۱۴۶۴م) برمی خوريم. اين افراد کساني هستند که نام آنان در جريان شکل گيري طرح «کنترافرنسيا» ذکر گرديده و خووان، باني اصلي طرح با آنان مکاتباتي داشته است. (دنيل، همان ؛ بلنکس، همان ؛ احمدوند، ۴ ؛ واردنبرگ، همان ؛ ولف ، همان). البته با اين که ژان ژرمن نحوه برخورد ديگري با ايده خووان داشت (نك: ادامه نوشتار)، اما وجود شباهت هايي چند ميان اين عده، خووان را بر آن داشت، با بقيه مکاتباتي را به عمل آورد. خووان پيش از اين به همراه دو تن ديگر در شوراي بال و نيز شوراي ماينز (براي تعيين پاپ جديد) شرکت داشت و ضمن آشنايي، از توجه ايشان به مسأله اسلام کاملاً مطلع بود. (هربرمان، ۱۹۹۷: جلد ۷،"خووان سگوويايي" ؛ ۱۱، نيکولاس کوسايی۱۲، پاپ

1. Denys van leewen.
2. John of Torquemada.
3. Alfonso.
4. Jean German.
5. Nicholas of cusa.
6. Pope pious ii (Aeneas silivius).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

پیـوس۲ ؛ ولـف ، ۱۳۷- ۱۷۷) بـا تکیـه بـراین سـابقه بـود کـه خـووان طـرح خـود را در قالـب «کنترافرنسیا= کنفرانس » و با کلماتي صلح جویانه که به گفته ادوارد سعید، امروزه آتش به سینه هـا مي زند، مطرح کرد. (نک: سعید، همان ؛ بلنکس ، همان).

خووان آلفونسودي سگوویا کاردینال اسپانیایي و استاد دانـشگاه سـالامانکا بـود (هربرمـان ، مدخل ؛ دنیل ، همان ؛ بلنکس ، همان) که پیش از همه به جنبش افتاد و با استفاده از شیوه مکاتبـه به مثابه ابزار ارتباط، سه تن دیگر را در جریان آرا و نظرات خویش نهاد (همـان) سـال هـا بـه طـول انجامیده بود تا خووان بدین آرا برسد؛ وي که در ایام تحصیل به آموزش زبـان عربـي نیـز پرداختـه بود، از همان اوان تحصیل به مسأله اسلام فکر مي کرد (ولف ، ص ۹۶ و۱۰۳) و با داشـتن تجربـه طولاني در زندگي مسالمت آمیز با مسلمانان و مسیحیان اسپانیا (هنری،۱٤) و تأثیر از افرادي چون مندویل[1]، سیّاح فرانسوي (که آراء ملایمي نسبت به مسلمانان داشت) و ریمونـدلول[2] و (ولـف، ص ۹۶، ۱۸۳، ۱۹۹- ۲۰۰ ؛ هنری ، همان) اینك در اواخر عمر مسأله روابـط مـسلمانان و مـسیحیان برایش اهمیتي تمام یافته بود. (ولف،۱۷٤) تا آنجا که پیوسته به مسیحیان توصیه مي کرد نـسبت بـه اسلام آگاهي کسب کنند و خود نیز مباحثاتي را میان مسلمانان و مسیحیان اسپانیا سامان مـي داد. (هنری،همان)

پس از این اقدامات، وي که در ۵۳ سالگي از کلیسا بازنشـسته شـده بـود و در دیراتیـون[3] در دهکده ساووي[4] (در نواحي مرزي کاستیل – فرانسه) که اکنون مزار وي در آن واقع اسـت، بـه سـر مي برد. (مینوی، ۷۸- ۷۹ ؛ مان،۱۸٤ ؛ موریلاس،۲۸۰ ؛ هنری، همـان ؛ ولـف، ٤۷،۳۷،۱،٤۹؛ مدخل دائره المعارف کاتولیک) از فتح قسطنطیه مطلع گردید. خووان حتي نگارش تـاریخ شـوراي بال را نیمه کاره رها کرده. (ولف،۱۷٤؛ برای آگاهی بیشتر دیگر آثار او نـک: هربرمـان : مـدخل .) دست به کار شد و نامه هایي را براي افرادي فرستاد.

ظاهرا استاد مجتبي مینوي (مینوی، ۷۸- ۷۹) نخستین و تنها کسي باشد که در زبان فارسی، در باب گیرندگان نامه هاي خووان مطالبي آورده اسـت؛ اسـامي گیرنـدگان نامـه هـا را بـه ترتیـب: نیکولاس کوسایي، ژان ژرمن و پاپ پیوس دوم مي دانـد. امـا تحقیقـات محققـان غربـي، بـه‌ویـژه

1 .Mandevile.
2. Rymond llull.
3 .Aiton.

4. ولف محل بازنشستگی و مزار او را در ده آلپین (Alpine) می داند. (Wolf, 1)

پژوهش بسیار مهم داریو کابانلاس[1] به زبان اسپانیولی (نک: موریلاس، ۲۸٦، یادداشت،۱۱) نشان مي دهد که پیش از تمامي این افراد، خووان به کاردینالي به نام سـروانتس کـه در جنـوب اسـپانیا و نواحي مرزي غرناطه مسلمان نشین اقامت داشـت ، نامـه نگاشـته اسـت (نـک: مینـوی، همـان ؛ موریلاس ، همان ؛ ولف ، ۱۷٤) خووان در نامه بسیار مفصلي، خطر ترکان را به سروانتس گوشـزد کرد، اما از بداقبالي اش، سروانتس در همان سـال ۸۵۷ ق./ ۱٤۵۳م. درگذشـت (ولـف ، ۱۷٦) و تلاش خووان براي همراه کردن این شخصیت مسیحي که با بقیه مسلمانان نیـز درگیـر بـود، ناکـام ماند.

دومین گیرنده نامه، نیکولاس کوسایي، کاردینال و فیلسوف آلماني بود که در ٤۸ سـالگي بـه مقام کاردینالي رسیده بود،(مینوی، ۸۰ ؛ اسپوزیتو ، هنر" اسـلام و " ؛ احمدونـد، ٤ ، همـان) نامـه خووان به نیکولاس بسیار مفصل (اما از نامه سروانتس کوتاهتر) و در حـدود سـي صـفحه اسـت. (ولف، همان)خووان در این نامه مي‌خواهد که نیکولاس را متقاعد کند که باید میـان پیـروان دینـي عیسي و دین محمد (ص) مجلس مباحثه و مناظره منعقد کرده و دو طرف را واداشت تا بر حقانیت دین خود حجت و برهان اقامه نمایند (مینوی،۸۱) نیکولاس خلـق و خـویي نرمـی داشـت، تـابع فلسفه افلاطوني بود و در هدف بـا خـووان مـشترك بـود (مینـوی،۸۲ ؛ اسـترایر، ۹/ ۱۲۲- ۱۲۵ ؛ اسپوزیتو،همان ؛ احمدوند،همان). وي در هایلدبرگ[2] تحصیل کـرده و از دانـشگاه بولونیـا دکتـري حقوق مدني دریافته داشته، زبانهاي لاتین، عربي، عبري و یوناني را مي دانـست؛ (اسـترایر،همان ؛ همچنین با برخی پادشاهان روابط نزدیکی داشت ، هربرمان :مدخل ، همان). به گفته ولف .(pp 176 –177) چنان که خووان در نامه اش به نیکولاس اشاره دارد، نیکولاس مدت هـاي مدیـد بـه جمـع آوري هـر گونـه کتـاب و سـند دربـاره اسـلام و مـسلمانان مـشغول بـود (مینوی،همانجـا ؛ دنیل،همان) وي در همان ایام کتابي نگاشـته بـود[3] کـه در آن نماینـدگان خیـالي ادیـان و مـذاهب گوناگون، با یکدیگر به مباحثه و مکالمه پرداخته، در پي رسیدن به مغـز حقیقـت و وحـدت بودنـد (مینوی،همان ؛ واردنبرگ، ۷۳۵) با این مقدمه نیکولاس از طرح پیـشنهادي خـووان، کنترافرنـسیا، استقبال کرد و حتي بـراي اجرایـي شـدن آن پیـشنهاد کـرد تجـاري از قـاهره، اسـکندریه، یونـان و ارمنستان به منظور اظهار افکار مسلمانان و مسیحیان، حضور یابند (مینوی، همانجـا ؛ واردنبـرگ،

1 .Dario Cabanelas.

2. شهری در آلمان.

3 .De pacefidei.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

همان) نیکولاس معتقد بود میانجي هاي مسیحي که به بلاد اسلامي فرستاده مـي شـوند، بیـشتر از شـاهزادگان و امـرا باشـند، نـه کشیـشان و پادریـان کـه ترکـان ایـشان را خـوش نمـي داشـتند (مینوی،همانجا) نیکولاس سال بعد از وصول نامه خووان مشغول خوانـدن تمـامي کتبـي شـد کـه پیش از او در باب اسلام و یا نقد و رد آن نوشته شده بود . او سـرانجام بـه سـال ۸٦٤ق./ ۱٤٦۰م. کتابي قابل به نام < از غربال گذرانـدن قـرآن[1]> نوشـت (نـك: ادامـه نوشـتار؛ مینـوی، ۸۲ – ۸۳ ؛ هربرمان ، ذیل ؛ واردنبرگ، همان ؛ احمدوند ،همانجا)

سومین نفر ژان ژرمن اسقف شالن (مینوی، ۸٤ ؛ احمدوند،همانجا) و به گفته ولـف، مـتکلم دربار دوك بورگندي[2] و داراي روابطي نزدیك با شخص دوك بود (ولف،۱۷۷) با آن کـه وي چنـدان به طرح کنفرانس و گفتگو علاقمند نبود، (مینوی،همانجا ؛ احمدوند،همانجا) اما خـووان کـه مـي دانست این شخصیت موثر در مورد اسلام اندیشیده و حتي دو اثر در این باب دارد (ولف ، ۱۷۸) ، از ایـن رو بـه او نامـه نوشـت و اندیـشه خـویش را بـه او وانمـود کـرد (مینوی،همانجـا ؛ احمدوند،همانجا) ژان در پاسخ کوتاه خویش اذعان داشت که وي بیست سال قبـل ماننـد خـووان مي اندیشیده است، اما اینك اقدامي نباید کرد و چیزي نبایـد گفـت کـه تهیـه و تـدارك کـشورهاي اروپایي را بر نبرد صلیبي تازهاي به تاخیر اندازد و دچار رخوت و ضعف سازد (مینوی، ۸۵ ؛ ولف ، ۱۸۰)، بي گمان دلیل مخالفت ژان با طرح خووان را باید در موفقیت هاي محـدود فیلیـپ نیکـو[3]، حاکم بورگندي در برابر مسلمانان دانست. هـم از ایـن رو بـود کـه وي طـرح خـووان را مطـابق بـا واقعیات نمي دید و تمام توان خویش را صرف متحد کردن مـسیحیان، حـول یـك عقیـده و حفـظ هویت آنان در برابر مسلمانان مي کرد (مینوی، ۸۵– ۸٦)

چهارمین گیرنده نامه اینیاس سـیلویوس ایتالیـایي بـود کـه در دوران تحـصیل خـویش جـزو اومانیست‌ها و غرقه در مطالعات اومانیستي و فرهنگي بـه شـمار مـي رفـت و چـون در ۸٦۲ ق./ ۱٤٥۸م . با لقب پیوس {متقي} دوم به مقام پاپي رسید، نیـز بـه بـشردوستي و احتـرام بـه حیثیـت انساني شـهره بـود. (مینـوی،۸٦ ؛ هربرمـان ،ج۷ ، مـدخل "پـاپ پیـوس۲" ؛ واردنبـرگ، همـان ؛ اسعدی،۹٦)

1- *Cribratio Al Corani.*

2 .Burgundy.

3 .Phillip the good.

خووان در آخرین ماه زندگي خویش نامه اي به پاپ نوشت و آراء خویش را طي رساله اي بـه نظر وي رساند(مینوی، همانجا؛ واردنبرگ، همانجـا ؛ اسـعدی، ۹٦– ۹۷) ؛ در ایـن نامـه خـووان ضـمن تجلیـل از پـاپ و خطبـه هـاي مـوثر و گیـرایش کـه وي در جـواني آنهـا را شـنیده بـود (مینوی،همانجا) اخطار و تحذیر انجیل را که نمي توان بیست هزار تن را با ده هزار تن مغلوب کرد، به یاد پاپ آورده ، از کثرت تعداد مسلمانان سخن گفت (مینوی،۸۷) ظاهراً پاپ که هدف اساسـي اش آزادي اروپا از دست ترکان به شمار مي‌رفت و حتـي در ۸٦۳ق./ ۱٤٥۹م. در کنگـره اي بـراي مقابله با ترکان از سران اروپا دعوت کرده بود (هربرمان ،ج ۷، ذیـل : "پـاپ پیـوس۲") جـوابي لا و نعم به آن مریض محتضر نداد، در عوض نامه اي به سلطان محمد فاتح نوشت؛ این نامه که مکـرراً در سالگرد فتح قسطنطنیه به چاپ رسیده است، (مینوی،۸۷ ؛ کروز، همان ؛ احمدونـد، همانجـا) در نوع خود بسیار فصیح و سرشار از مهارت در استدلال و حکمت است (همانجـا)پـاپ در ایـن نامه ابتدا شرحي از توان ملل گوناگون مسیحي را عرضه مي کند، آنگاه به سلطان یادآوري مي کند، شما نباید از پیروزي هاي اخیر خود مغرور شوید، در عوض اگـر مـسیحي شـوید و غـسل تعمیـد بگیرید، هیچ پادشاه یا امیري در جهان به قدرت شما نمي رسد (همانجا) البته پاپ خود مـي دانـد که این سخنان چندان در سلطان تأثیر نمي کند، از این رو در ادامه مـي نویـسد، شـاید شـما نمـي خواهید دین خود را ترك کنید و عیسوي شوید، ولي دقت کنید و ببینیـد چـه انـدازه، موافقـت میـان اسلام و مسیحیت وجود دارد. (مینوی،۸۸ ؛ کروز، همان)؛ آنگاه به گمان خـود بـه ذکـر مـشابهت هاي این دو دین، یعني اعتقاد به خداي واحد خلاق عالم، ضروري بودن دیـن و ایمـان، اعتقـاد بـه زندگي اخروي و اجر و جزاي دنیاي دیگر، اعتقاد به جاودانگي روح و پـذیرش تـورات و انجیـل از سوي مسلمانان و مسیحیان مي پردازد (همانجا) ؛ البته پاپ بـاز بـه شـیوه جـدلي اسـلام را دینـي مخالف استدلال مي داند (مینوی،۸۸ – ۸۹ ؛ کروز، همانجا). ناگفته پیداست که نه ایـن سـخنان پاپ در سلطان تأثیري گذارد و نه اقدامات ژان ژرمن تا مدت ها توانست جلوي پیشروي عثماني ها را بگیرد، حتي میان این چهار تن (جز تا حـدي خـووان و نیکـولاس کوسـایي) نیـز عمـلاً تـوافقي حاصل نشد(سعید، همان) و واقعیات سیاسي زمان، الگوي خووان و نیکولاس را براي حل مسأله اسلام و عثماني ها ناکام گذارد (واردنبرگ،همان :۷۳) در عـوض، ایـن نـوع اقـدامات در مطالعـه منطقي تر اسلام و قرآن کریم تا حدود زیادي موثر افتاد (نک :اسعدی،۹۷ – ۹۸).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

۴- مطالعات قرآنی غربیان

در نخستین گام هاي غربیان در مطالعات قرآن به دو نام تأثیرگذار در دوره هـاي بعـدي برمـي خوریم که تا سده نهم هجری/ پانزدهم میلادیو حتي گاه در دوره هاي بعد، قرآن شناسي پرمجادله و مناقشه اي را در غرب بنیان نهادند؛ یوحنّاي دمشقي که آغازگر این مسیر بود (اسـعدی،۵۹ - ٦٢ ؛ هنری،۱۲ ؛ احمدوند، ۳) و پیتر محترم که باعث و باني پیدایي مجموعه کلونیـایي[1]، (همـان،۱۳؛ احمدوند، همانجا ؛ اسعدی،٦۵ - ٦٧) و حامي نخستین ترجمه لاتیني قرآن کریم توسـط رابـرت کتوني بود (برمان، ۱۸۹؛ پیرسن،٦ ؛ اسعدی،٦٦) البته امروزه محققان نـشان داده انـد کـه ترجمـه رابرت بسیار مغلوط و تلخیصي از اغـراض، نیـات سـوء و نظرگـاه هـاي خـاص اسـت. (پیرسـن، همانجا؛ اسعدي،۷۵ ؛ براي آگاهی بیشتر درباره خطاهاي رابرت، نك: دنیـل ,165 ,97 ,79-78 366,42,43,57) به هر حال بنا بر استقـصاي محققـان، ایـن ترجمـه اسـاس ترجمـه هـاي دیگـر اروپایي گردید و متاسفانه بسیاري از نادرستی ها را نسبت به قرآن در غرب سامان داد (پیرسـن، ۷؛ اسعدي، همانجا) به گفته نورمن دانیل، (دنیل،۲۹۱) "در قرون وسـطي قـرآن شـناخت غربیـان بـه صورتي پرداخته و عرضه مي شد که مسیحیان را علیه اسلام متقاعـد کنـد و هـر چـه ایـن تـصاویر عجیب وغریب تر بودند، بهتر بود". از نظر دانیل این اشکال بـه واسـطه فاصـله بیـشتر نویـسندگان مسیحي و عموم مردم از مرزهاي اسلامي بروز مي کرد، با این همه تمایل بسیار انـدکي نیـز وجـود داشت که آنچه را مسلمانان در باب اعتقاد خویش مي گفتند، مسیحیان واقعاً بـه عنـوان اعتقـادات آنان بپذیرند (همانجا) اما باز با این احوال، در اثر همین نوع اقدامات نیز مسیحیان طي جنگ هاي صلیبي و قرون بعد، از حالت عدم اطلاع و تماس بسیار اندك خارج و به مرحله آگاهي هاي انـدك و درعین حال نادرست نزدیك شدند (واردنبرگ، ۱۵۰)

1 Cluniac corpus.

۵- اقدامات قرآن پژوهانه غربیان در سده پانزدهم [1]

۵-۱- خووان سگوویایی

۵-۱-۱- نقد ترجمه رابرت کتونی

چنان که اشاره شد، ترجمه رابرت کتّوني نخستین ترجمه لاتیني قرآن کریم به شمار مـي رود، اما امروزه بسیاري از محققان بر خطاهاي این ترجمه و ترجمه هاي پس از آن آگاه شده اند. (برمان ،۷۰٦ ؛ ۱۸۹ ؛ احمدوند،٤) با این حال کمتر کسي مي داند نخستین فردي کـه همگـان را متوجـه اشـکالات ترجمـه رابـرت کـرد و عمـلاً بـه نقـد آن ترجمـه پرداخـت، خـووان سـگوویایي بـود. (برمان،همان) خووان داراي تمامي ویژگي هایي که پیش از این آوردیم، در مقدمه ترجمه خـویش، که اکنون باقي است (برمان ، ۷۰۵، یادداشت ،۱۷).اذعان مي دارد رابرت مفاهیم روشن واژه ها را وانهاده به ارایه ترجمه هایي مبهم و الهي گونه! از واژه ها اصرار ورزیده است (برمان،همان ؛ همـو، ۱۹۹) از نظر او، رابرت حتي معاني اصطلاحات قرآني را به ناحق تغییر داده است،(برمان، همـان) از این رو اساساً ترجمه او مناسب نیست(نـک: دنیـل، ۳٦٦, ۱٦۵, ۹۷, ۷۹-۷۸, ۵۷, ٤۳- ٤۲؛ ولف،۱۹۹ ؛ پیرسن، ٦؛ احمدوند،٤ ؛ اسعدي، ۷۵).

۵-۱-۲- ترجمه قرآن به اسپانیولی (کاستیلی)

خووان با توجه دادن به اشکالات فاحش ترجمه رابرت در واقع زمینه را براي ارایـه ترجمـه اي تازه و فارغ از آن خطاها فراهم مي آورد. متاسفانه این ترجمه مفقود شده و تنها بنا بر مقدمـه لاتینـي آن (موجـود در واتیکـان2923 .Ms. Lat) مـي تـوان بـه وجـود آن پـي بـرد (مینـوی،۷۹ ؛ موریلاس، ۲۸۰ ؛ هنـری،۱۷). خـووان پـس از مـدت هـا جـستجو در اسـپانیاي مملـو از فـضاي مدجّنان[2] و عربي دانان (موریلاس،همان،۲۷۸) فقیه و قاضي مسلمانان مدجّن سـگوویا را بـه نـام عیسي بن جابر[3] در ازاي پرداخت دستمزد به خدمت گرفـت (مینـوی، همـان ؛ مـوریلاس، همـان

1 با توجه به این که عمده مطالعات قرآنی منصفانه تراین سده از سوی خووان سگوویایی و نیکولاس کوسایی و در اثر طـرح کنترافرنسیا صورت گرفته است، در این بخش تنها به اطلاعات این دو تن که در نوع خود نیز قابل ملاحظه است، می پردازیم. و از طرح اقدامات دیگر در می‌گذریم.

2 ساکنان= مسلمانانی که پس از غلبه مسیحیان همچنان به زندگی در اسپانیا ادامه دادند.

3. در متون اسپانیولی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

، ۲۸۰) عيسي كه با همراهاني چند به نزد خـووان در دهكـده سـاووي آمـده بـود، كـاملاً بـه شـيوه مسلماني زندگي مي كرد؛ او مشروب نمي خورد و در غذا خوردن نيز از غذاهاي حلال استفاده مي نمود (ولف، ۱۸۲- ۱۸۳). اين مترجم گمنام قرآن كريم با جـديتي تمـام ظـرف مـدت چهـار مـاه، ترجمـــه اي اســـپانيولی از روي نّـــص عربـــي قـــرآن كـــريم فـــراهم آورد (۸٦۰ق./ ۱٤٥٦م). (موريلاس،همان ، ۲۸۰ ؛ ولف، ۱۸۸). البته خووان اصرار داشت عيسي مدت بيشتري را نـزد وي بگذراند و در حك و اصلاح اين ترجمه و نيز تقويت عربي داني، وي را مدد رساند امـا عيـسي كـه تازه ازدواج كرده بود، عجله داشت زودتر نزد همسر خويش به سگوويا بازگردد (ولف،همـان) ، بـا اين حال خووان كه ناگريز به همين حـد راضـي شـده بـود، دسـت از كـار نكـشيد و خـود ترجمـه اسپانيولی را به لاتيني نيز ترجمه كرد و بدين ترتيب با صرف توان علمي و نفقه، قرآنـي سـه زبانـه را فراهم آورد (موريلاس ،همان ؛ ولف ،همان).

بي گمان به دليل آن كه اين ترجمه اساساً به وسيله عالمي مسلمان و عربي دان صورت گرفت و خووان خود از روي ترجمه عيسي بن جابر، به ترجمه لاتينـي آن دسـت يافـت، فاقـد بـسياري از نادرستی ها و خطاهاي ترجمه هاي قبل بود و مي توانست منبعي اصيل تـر در شـناخت غربيـان از قرآن كريم باشد؛ بويژه آن كه خووان قصد داشت با اين ترجمه مناظره مـسلمانان و مـسيحيان را بـه مسايل اساسي بكشاند و روشن سازد كه آيا قرآن واقعاً كلام خداست يا خير؟ (مينـوی،۷۹ - ۸۰ ؛ موريلاس؛همان), ظاهراً خووان تا حدي نيز در ايجاد يك حركت علمي منصفانه تر در بـاب قـرآن توفيقاتي كسب كرد، زيرا بنابر اذعـان خـودش، عيـسي يـك نـسخه از ترجمـه اسـپانيولی را همـراه خويش برده(موريلاس،همان) وحتي به نظر برخي محققان، ترجمـه اسـپانيايي ديگـري (۱٦۰٦م) (موجود در كتابخانه عمومي پروويسال تولدو[1]) و ترجمه اي از قرآن كريم به الخميادو[2] (۱٦۰٦م)، از روي ترجمه عيسي – خووان صورت گرفته است (موريلاس،همان ، ۲۸۰-۲۸۲ .. مـوريلاس)، محقق اسـپانيايي بـا بررسـي و طبقـه بنـدي دقيـق تمـامي ترجمـه هـاي اسـپانيايي و الخميـادوي قرآن كريم، طي قرون بعد، بدرستي تاثير ترجمه قرآن كريم عيـسي – خـووان را نـشان داد (همـو، ۲٦٥- ۲٦٦،۲۷۰) اما متاسفانه مفقود شدن بسياري از آنها و حتـي خـود ترجمـه هـاي عيـسي – خووان (جز مقدمه) راه را بر تاثيرات جدي آن در سده هجدهم به بعد بست.

1 -Bibiteca publica provincial.

2 نوشتن زبان اسپانيولی به خط عربی.

۵-۱-۳- آرا و مطالعات قرآنی

بديهي است وجود روحيه مـسالمت آميـز خـووان و روش او در گفتگـوي ميـان مـسلمانان و مسيحيان، نوع تصوراتي متفاوت را براي او رقم مي زد؛ با اين همه كاردينال بودن وي و تلاش بـراي تبليغ مذهبي مسيحيت و مسيحي ساختن مسلمانان، مانع درك درست و كامل او از قرآن مي گرديد (نک: ولف، ۲۲). از اين رو حتي نگارش تكذيبـه اي را بـر ضـد قـرآن بـه خـووان نـسبت داده انـد (هربرمان، جلد۷ ذيل). بنابراين تناقضاتي آشكار در ميان آرا و نظرات وي نسبت به قرآن كـريم بـه چشم مي خورد، هر چند با وجود اين، باز در نظرات وي انصاف عمـل بيـشتري را مـي‌تـوان ديـد. نخست بايد در نظر داشت بناي خووان در مطالعات قرآني بر آن است كه از بحـث در مـسايلی بـه زعم او فرعي، چون رفتار، روش و اخلاق شخصي پيامبر دست بردارد و اين موضوع را روشن سازد كه آيا قرآن واقعاً كلام خداست يا خير؟ (موريلاس، ۲۸۰). خووان گمان مي برد اگر از روي تعمـق و دقت به بررسي قرآن بپردازد، تناقضات و خلط و خبط آنرا آشكار كرده، لابد روشن مي سازد چند نفر در تحرير و تأليف آن دخالت داشته اند (مينوی،همان). هدف ديگر خووان نشان دادن خـشكي قوانين قرآن[1] و موضع نادرست آن در باب مسيح، مسيحيت و مسيحيان است. (ولـف، ۲۰۵، ۱۹٤). اين نوع نگاه خووان نشان از عمق روش مجادله اي وي در قرآن شناخت تواند بود، اما بي ترديـد در شناخت او از قرآن و مطالعات وي در آن (نسبت به اسلاف)، تفاوت هـايي بـارزتر نيـز بـه چـشم مي خورد. مثلاً وي تقسيم مجدد قرآن كريم را بوسيله رابرت كتوني به بيش از ۱۱٤ سوره نادرسـت شمرده، اقدام او را در جابجايي آيات آغازين سور با آيـات پايـاني آنهـا كـاري اشـتباه مـي خوانـد (برمان، ۷۰۵ ؛ همو، ۱۹۹). همچنين با آن كه خـووان اذعـان دارد غلبـه مـسلمانان بـر اثـر تعـداد زيادشان است و آنان را مردماني خشن و شهوتران توصيف مي كند؟! تأكيد مـي ورزد ايـن اخـلاق ريشه در روش زندگي مسلمانان دارد وتوصيه قـرآن نيـست (ولـف،۱۹۱- ۱۹۲). حتـي خـووان بـر خلاف بسياري از متفكران مسيحي معاصر و قبل از خود، از آرای مسلمانان در باب معجـزه بـودن قرآن كريم مطلع است (همو،۱۹۳) و آن را داراي متوني الهامي و حاوي ارزش هـاي اخلاقـي مـي داند كه فصاحت و بلاغتي والا دارد (همو، ۱۹٤)

1- Burmad, tafsir…..n, 705? Idem , polimic…..,199).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

۵-۲- نیکولاس کوسایی

نیکولاس در کتاب از غربال گذراندن قرآن (تقديمي به پاپ پيوس دوم و تجليل از اقدامات پيتر محترم) که اکنون بخش هايي از آن به دست ما رسيده و منتشر شده است (مجموعه رسائل و آثار او به طور کامل يا ناقص مکرراً چاپ شده است که کهن ترين آنها چاپ ۱۵۱٤ پاريس و ۱۵٦۵ بال است. De Pace Fidei and) cribratio Alkonani , by , J . Hopkins ; Cotholic (Encyclopedia , xI, Nicholas of Cusa" به بررسي منظم مطالب قرآن از لحاظ تاريخي، لساني و ادبي، به نحوي که خووان سگوويايي در طرح خويش پيشنهاد کرده، پرداخته است. (مينوی،۸۳ ؛ قس، هاپکينز، ۹٦٦) چنان که عناصر مختلفي را که قرآن از آنها مرکب است، از هم جدا کرده، به زعم خويش آنها را به سه دسته: ۱- مطالب مأخوذ از مسيحيت نسطوري۲- موضوعات ضد مسيحي که به گمان وي از يهوديان مکه و مدينه اخذ شده است ۳- تحريفات پس از رحلت پيامبر تقسيم مي کند (مينوی, ۸۳ ؛ نک: هاپکينز،۹۷۱ ؛ واردنبرگ،۱٤۹ ؛ برمان،۲۰٤) البته به گفته مينوي، امروزه مطالب وي آنقدر سخيف است که حتي ارزش پاسخ دادن هم ندارد (مينوی،همانجا؛ نک: هاپکينز، همانجا) ، اما به هر حال روش کار او در محدود کردن مطالب اختلافي و تعريف آنها قابل توجه است (مينوی،همانجا ؛ اسپوزيتو ،۱۹۹۵:هنر"اسلام و" ؛ احمدوند، همانجا)

نيکولاس نيز مانند خووان از بحث فلسفي دست کشيده و چون قرآن را سندي تلقي کرده است که از روي ايمان صحيح و عقيده صميم انشا شده و داراي مميزات خاص خود است (مينوی،همان) ، کوشيده از روي خود اين کتاب موارد اختلاف ميان اسلام و مسيحيت را کشف کند (مينوی،همانجا؛ واردنبرگ،همانجا). از نظر نيکولاس اين اختلاف در واقع امري نسبتاً جزيي يعني در چگونگي وحدت لاهوت با ناسوت يا وحدت ذات الهي با طبيعت انساني عيسي رخ داده است (مينوی،۸٤ ؛ واردنبرگ،۷۳۵) دست آخر اينکه نيکولاس کوسايي نيز همچون خووان سگوويايي، در کتاب از غربال گذراندن قرآن، به ارايه يادداشت هايي در باب ترجمه لاتيني رابرت کتوني از قرآن کريم و اصلاح برخي خطاهاي آن دست يازيده است. (برمان ،۱۹۷- ۱۹۸).

نتايج مقاله

به رغم اشارات و سفارش هاي وحدت آفرين قرآن کريم، روابط مسلمانان و مسيحيان از آغاز (به ويژه قرون وسطي) دشمنانه و خصمانه بوده است؛ با اين همه در سده پانزدهم ميلادي که دوران اوج حملات عثماني ها به اروپاست ، برخي متفکران و دانشمندان مسيحي ، برخلاف اکثريتي ديگر که در پي احياي جنگهاي صليبي بودند ، در پي طرح ريزي کنترافرنسيا { کنفرانس صلح ميان مسلمانان و مسيحيان } بر آمدند. البته واقعيات سياسي موجود ، زمينه رواج همه جانبه اين طرح را فراهم نساخت، با اين حال تلاشهاي صورت گرفته براي گفتگوي مسلمانان و مسيحيان ، نخستين گام انتقاد علمي تر و منصفانه متن قرآن (نسبت به قرون گذشته) و ارايه ترجمه هايي دقيق‌تر را از قرآن کريم فراهم آورد؛ گامي که حلقه‌اي مهم در زنجيره پژوهش هاي غربيان در اين زمنيه به شمار مي‌رود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]

کتابشناسی

قرآن کریم

۱- احمدوند، عباس، «گزارشي كوتاه از چاپ و نشر قرآن كريم در غرب»، مجله آينه پژوهش ، شماره ٦٩ ، ۱۳۸۰ش.

۲- اسعدي، مرتضي،«يوحنّاي دمشقي و آغاز مجادلات كلامي ميان اسلام و مسيحيت»، مقالات و بررسي‌ها ، دفتر ٥٩ – ۱۳۷٥،٦٠ش.

۳- همو، مطالعات اسلامي در غرب انگليسي زبان، از آغاز تا شوراي دوم واتيكان ، چاپ اول، تهران: سمت ،۱۳۸۱ ش/ ۱۹٦٥م.

٤- ج . د، پيرسن، «ترجمه‌هاي موجود قرآن كريم به زبانهاي گوناگون» ، ترجمه هوشنگ اعلم ، مجله تحقيقات اسلامي، سال اول ، شماره ۲ ، سال دوم ، شماره ۱،۱۳٦٥ – ۱۳٦٦ش.

٥- مينوي، مجتبي، « اسلام از دريچه چشم مسيحيان » ، مجموعه مقالات تاريخ و فرهنگ ، تهران: انتشارات ، خوارزمي،۱۳٦۹ش.

7- Goffman, Daniel, The ottoman Empire and Modern Europe, Combridge university press, 2004.
8- Hopkins, Jasper. Nicholas of cusas de pace Fidei and Cribration Alkoyani: Translation and Analysis, The Arthur J. Banning press, Minneapolis, 1997.
9 - Henry, Jenn. "Patterns of cross – cultural Tolerance and Intoleranc in Medieval christion Depictions of Islam, Muslims, and Mohammad", Macalester Islam Journal, vol 1, Issue 1, 2006.
10- Morillas, Consuelo Lopez –"Lost and Found? Of Segovia and The Qura´n among the Mudejars and Moriscos", Jornal of Islamic studies, 10. 3 (1999), pp. 277 – 292.
11- _____ "The Genealogy of the Spanish Quran", Jornal of Islamic studies, 17: 3, 2006, pp. 255 – 294.
12- Norman, Daniel, Islam and the west, the making of an Image, oneworld, oxford, 1997.
13- R. Blanks, David, 'wetern views of Islam in the premodern period: A Brief History of past Approches' , in western views of Islam in Medieval and Early Modern Europe , Preception of other , edited by David R. Blanks and Michael Fnasseto , st .Martins press, Newyork, 1999.
14- R. Strayer, Joseph. Dictionary of the middle Ages, Charles scribner's sons, Newyork, 1987.
15- Said, Edward. Orientalism, Penguin, Londen, 1977.
16- Encyclopeadia of Islam, 2nd edition, E. J. Brill, Leiden, 1960 – 2002.
17- Waardenburg, Jacques. Muslims and Others, Relation in content, Walter de Gruyter, Berlin – Newyork, 2003.
18- D. Mann, Jesse. "The Devilish pope: Eugenius IV as Lucifer in the later woks of Juan de Segovia'', church History, Jun 1996, 65, 2, pp. 184 – 196.
19- Cruz, Jo Ann Hoppner Moran. 'popular attitudes Towands Islam in Medieval Europe' , in western views of Islam in Medieval and Early Modern Europe , Preception of other , edited by David R. Blanks and Michael Frasseto , st. Martins press, Newyork, 1999.
20- Turnbull, Stephen. The ottoman Empire (1326 – 1699), Routledge, Newyork and London.2003
21- Esposito, John l. (editor). The oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World, Oxford university press, 1995.
22- G. Herbermann, Charles. The Catholic Encyclopeadia, edited. ET el, The Encyclopeadia press, Inc, Newyork, 1997.
23- E.Burman, Thomas. Tafsir and Translation: Traditional Arabic Qur'an Exegesis and the latin Qur'ans of Robert of Ketton and Maru of Toledo, Speculum, 73 (1998), pp. 703 – 732.
24- _____, 'Polimic, Philology, and Abivalence: Reading the Quran in Latin Christendom', Jornal of Islamic studies, 15:2, (2007), pp. 181 – 209.
25- Wolf, Anne Marie.2003. Juan de Segovia and western perspectives in the fifteen century, ph. D Dissertation, Thew University of Minnesota.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.6.7]